

حمله تروریست‌های خمینی به تظاهرات ایرانیان در کراچی

* در این حمله، فدایی خلق رفیق محمود در ضایکبندی کشته شد

نماینده کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا اطلاعیه‌ای صادر کرده است که متن آن را در صفحه ۳ می‌خوانید.

حمله جنایتکارانه مزدوران خمینی، که سال گذشته نیز در یورش به پناهندگان ایرانی در پاکستان، چند نفر را به قتل رساندند، بار دیگر ضرورت مقابله متحد با این دژ خیما را برجسته کرده است.

در روز دوشنبه ۱۴ آذر (۵ دسامبر) آدمکشان خمینی در شهر کراچی پاکستان به تظاهراتی که به ابتکار فدائیان خلق در اعتراض به کشتار جنایتکارانه زندانیان سیاسی ایران سازمان یافته بود، حمله و با کلت به سوی ایرانیان شرکت کننده در تظاهرات تیراندازی کردند. در نتیجه این حمله وحشیانه، رفیق محمود در ضایکبندی هوادار سازمان به شهادت رسید. به مناسبت این جنایت جدید رژیم خمینی،

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ آذر ۱۳۶۷ برابر ۱۲ دسامبر ۱۹۸۸
ماه عربیال سال پنجم شماره ۲۳۷

فهرست اسامی ۱۹۴ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

در صفحه ۶

رژیم به کشتار زندانیان سیاسی اعتراف می‌کند

در صفحه ۳

خبرهای هولناک فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی پایان ناپذیر است

* روز جمعه گردهمایی عمومی خانواده شهدا در خاوران برپا شد

گورستان خاوران دیگر هیچ جای خالی برای دفن شهیدان وجود ندارد. خانواده‌های آن دسته از زندانیانی که در این شهر کشته شدند، در جستجوی مزار عزیزانشان به گورستانی در قاسم‌آباد می‌روند... در روز جمعه ۱۸ آذر ماه در خاوران قطفله بود. سرتاسر گورستان را اعضای خانواده‌های بقیه در صفحه ۶

خبرهای فاجعه تمامی ندارد؛ یکی از دیگری هولناک‌تر. در ادامه خبرهایی که از این فاجعه تاکنون نوشته‌ایم، خبرهای تازه‌ای از کشتار زندانیان سیاسی، کشتاری که همچنان ادامه دارد، می‌رسد، هر مورد از موارد این فاجعه بزرگ، خود یک فاجعه است:

در مشهد صدها نفر کشته شدند. در توجان دهها زندانی سیاسی به قتل رسیدند. شمار اعدام شدگان زندان همدان بین چهل تا پنجاه نفر است. در زندان بابل دهها نفر و بنا به گزارش دیگری بیش از صد نفر تیرباران شدند. در بند ۶ زندان اوین تمامی ۱۶۰ زندانی سیاسی اعدام شدند. در سنج شش تن از اعدام شدگان را در ملا هم به دار آویختند. در شهر کوچک رودسر در استان گیلان ۱۴ تن از زندانیان را تیرباران کردند. در زندان شهر جهرم در استان فارس حدود ۲۵ نفر به قتل رسیدند. گفته می‌شود که حتی از شهر کوچک گرمسار بیش از ۲۱ زندانی سیاسی اعدام شدند. اکنون محرز شده است که در اصفهان اکثریت زندانیان سیاسی کشته شدند. مردم اراک تعداد تیرباران شدگان این شهر را صدها تن برآورد می‌کنند. گفته می‌شود که در تهران در

تظاهرات، اعتصاب غذا، تحصن و...

رسیده است. از میان این مجموعه حرکات اعتراضی، تظاهرات کراچی به لحاظ خونین بودن، تظاهرات بن به لحاظ گستردگی شرکت کنندگان، اشغال دفتر هواپیمائی ملی در مادرید به لحاظ ثمر بخشی در بازتاب فاجعه اخیر در رسانه‌های گروهی و تظاهرات در زیر برج ایفل پاریس به لحاظ لحظه شناسی و برانگیختن توجه عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

مادر شماره‌های آتی اکثریت براساس گزارش تکمیلی دریافتی، این اقدامات را بازتاب خواهیم داد.

از هفته گذشته در کشورهای مختلف جهان ایرانیان آزاده و پیشرو در ابراز انزجار از رژیم خونخوار خمینی بخاطر فاجعه هولناکی که در زندانها آفریده است و به عزم جلب توجه افکار عمومی جهانی نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران، حرکات گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند. از اقداماتی که توسط سازمانهای سیاسی و تشکل‌های دموکراتیک ایرانی در خارج از کشور صورت گرفته، تاکنون خبرهای زیادی از اعتصاب غذا، تحصن، تظاهرات، اشغال مراکز وابسته به رژیم خمینی، مراجعه جمعی به رسانه‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی و... بدست ما



بن (آلمان فدرال) - ۱۱ آذر - صحنه‌ای از اجتماع تظاهرکنندگان ایرانی در برابر سفارت رژیم خمینی در آلمان فدرال. در این تظاهرات قریب ۸۰۰ تن و در تظاهرات ۱۹ آذر در همین شهر قریب ۲۰۰۰ تن شرکت داشتند.

من او را می شناسم ...



من این گل را می شناسم
من باین گل سرخ
در قهوه خانه ها نشسته ام
من به این گل سرخ
در میدان راه آهن سلام
داده ام
آه...
من این گل را می شناسم -
در چشم هایش
شعله و خنجر داشت
و در قلبش
زینتی و
چشم آمویی
که جرمه جرمه
می گریست ...
(سعید سلطانپور)

بیان یک احساس

اسمش را نمی گویم و نمی گویم که تعلق سازمانیش چه بود. نامش را در میان اسامی اعدام شدگان هفته های اخیر دیدم. نگریستم. گریستن تأثیری است آگاهانه تر، از آن که به من دست داد. من فقط ماتم برد. اسمش را تکرار کردم و در فضای علامت سوال درشت در برابرش نهادم. حاضرین پرسیدند: او را می شناسی؟ گفتم: آری، آری می شناسمش. و اکنون چه خوب، چه خوب او را می شناسم. او را آنقدر خوب می شناسم که می توانم تصور کنم وقتی گلوله در سینه اش نشست، چگونه فریاد کشید، به خود پیچید و اندکی بعد برای همیشه از حرکت بازماند. چشمانش را می توانم در نظر آرم که چگونه رو به فضایی تخی خیره گشت و نیز یک حالت پرسش، یک حالت انکار و یک حالت اعتراض که برای همیشه روی لبهایش و در تمامی خطوط صورتش ماسید. می توانم تجسم کنم که وقتی سحرگهان به در سلولش رفتند و او را بالگرد بیدار کردند، چه حالتی یافت. فرغر کرد؟ مثل

وقتی که نابهنگام بیدارش می کردیم؟ شاید با آن حالت بیدار شده باشد. چشمانش را مالیده و طبق معمول پرسیده باشد: چه خبره، بخارید... و بعد، بعد حتما پی برده که چه خبر است. اما صبر کنید. تجسم این لحظه، چندان هم ساده نیست. بویژه این لحظه. ممکن است مثل آن هنگام که خبر متأثرکننده ای را می شنید، ابتدا سر جایش میخکوب شده باشد، گوشه سبیلش را جویده و بعد شانه اش را بالا انداخته باشد که این نیز بگذرد. و یا شاید پاهایش لرزیده باشد، شاید هرق سردی بر روی تمامی پیکرش نشست، شاید زبانش خشک شده، بعد به خود آمده و زمزمه کرده باشد که دل داشته باش و یا که دیگر هیچگاه به خود نیامده. با همان حالت، با همان حالت بهت زده، در حالی که مدام هلش می دادند، راهروی تاریک را طی کرده، پله هایی را بالا آمده، پله هایی را پایین رفته، به این طرف و آن طرف پیچیده، در اینجا و آنجا متوقف شده و بعد تازه وقتی که در حیاط زندان خنکای سحر را روی پوستش حس کرده،

پی برده که رفتنی است و باز شاید در اینجا نیز، در این لحظه نیز، در همان حالت حیرت باقی مانده است. من او را خوب می شناسم و این روزها آنقدر به او فکر کرده ام که دیگر می توانم تجسم کنم در زندان هم چه رفتاری داشته است. می توانم تجسم کنم که چگونه به می خورده و چگونه به بازجو جواب می داده است. من بالحن صدایش خوب آشنایم و میدانم وقتی دروغ می گفته، صدایش چه لحنی می یافته است. من می توانم تجسم کنم که او روزهای زندان را چگونه سپری می کرده است. می توانم حدس بزنم در سلول انفرادی به چه می اندیشیده، چگونه گوشه دیوار چمباتمه می زده و فضا پاک به نقطه ای مبهم خیره می شده. می توانم حدس بزنم چگونه گوش می خوابانده تا هیچ صدایی را از آن سوی دیوار ازدست ندهد تا بتواند معنی همه رفت و آمدهای داخل راهرو و یا داخل حیاط زندان را بجمد. برای من رفتارش در داخل همومی هم قابل

تجسم است. حتما ابتدا از دیگران فاصله گرفته و بعد در جمع حل شده است. اخلاقتش اینگونه بود. باید شبی، هم سلولی هایش را سرگرم کرده و خندانده باشد. حکایات زیادی در خاطر داشت و نیز می توانست در جدی ترین پدیده یک جنبه طنز آگین و خنده آور پیدا کند. راستی آیا، در اسارت نیز اگر پامی داد، با همان شور و حرارت خارج از زندان بحث می کرد؟ آیا همچنان روی مواضع سیاسی اش متعصب بود و در بحث پر خاش می کرد؟ به گمانم نه. این اواخر، مثل بسیار کسان دیگر، زیر تاثیر حوادث، پخته تر شده و ظرفیت آن را یافته بود که حرف همه را بشنود و روی آنها تامل کند.

سنت شده است که تنها

از قهرمانی های کشته شدگان سخن

گویند. تاریخ، از سر امتنان و برای ارائه سرمشق، اساسا کرده های مثبت، فداکاری ها و دلاوری ها را به خاطر می سپرد. اما قهرمانان نیز خود انسان بوده اند.

در هیچ بشری، هیچ عنصر مافوق بشری وجود ندارد و بشر آمیخته است از خصائل گوناگون. قهرمانان را اگر به عنوان بشر، نه فوق بشر، به عنوان انسانهایی با نیازها،

عواطف و ضعف های همومی همه انسانهای دیگر در نظر گیریم، قهرمانی هایشان بسی ارج بیشتری مییابد. من به رفیقم با این دید می نگرم. بدین ترتیب، با او بیگانه نمی شوم. مثلا گمان نمی کنم که در آخرین لحظات، به آرمانهایی بس انتزاعی اندیشیده باشد. شاید فقط به زتش فکر کرده و کودکش، که الان باید پنج شش ساله باشد. شاید هیچ آرزویی نداشته جز آنکه به او سیگاری بدهند، تا آن را در دوسه پک ببلعد.

کوشش می کنم او را به صورت واقعیش مجسم کنم. آدمی بود صمیمی. برای این که خوشحالت کند دروغ های کوچکی هم می گفت و همواره تلاش می ورزید بقبولاند اوضاع از آنچه که می گویند بهتر است، اگر چه خود او چندان خوش بین نبود، بویژه این اواخر. ترا دوست می داشت، خاصه اگر می فهمید تو هم دوستش می داری. فلو می کرد و اتفاقات ساده را هم به صورت حوادثی هیجان انگیز جلوه می داد. به همسرش خیلی علاقه داشت، اما وانمود می کرد که به زندگی خانوادگی اش بی توجه است. او اکنون بیش از هر زمان دیگری برایم ملموس است. جلیوم نشسته، سیگار باسیگار می گیراند و استکانهای چای را پیاپی سر می کشد. سخت سرگرم بحثیم ...

با من هم نظر نیست. اختلاف نظرمان را چگونه توصیف کنم؟ برای اینکه ملموس شود بهتر است از الفاظ رایج بهره گیرم: مثلا می توانم بگویم چپ رواست، خشک مشزی است که جهان را در چند قاعده خلاصه می کند. آدمی است کورذهن و متعصب که هیچ اندیشه تازه ای را درک نمی کند. می توانم بگویم راسترو است، اصلا مبارز نیست، حتی او را یک دموکرات، یک آزادیخواه معمولی هم نمی توان دانست ...

دیگر او را نمی فهمم. پیش از این جسمیت داشت. کنار من بود. من هم کنارش بودم. حالا نامیست میان نامهای دیگر. جنس، فصل، نوع. جنس بعلاوه فصل می شود نوع. به همین ترتیب از نوع به فرد می رسمیم. و من او را طبق این قاعده استنتاج می کنم. ماهیتی مقدر. اکنون او دیگر چیست: فردی در درون این دسته و یا آن دسته. و اکنون دیگر نیست. تمام شد. با چند گرم سرب. و

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
حمله تروریست‌های خمینی به تظاهرات ایرانیان در کراچی

روز دوشنبه ۵ دسامبر، بخاطر اعتراض به قتل هم زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی، از طرف فدائیان خلق تظاهراتی در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در کراچی انجام گرفت. این تظاهرات که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شده بود، در ساعت ۱ بعد از ظهر مورد حمله گروهی از تروریست‌های رژیم حاکم بر ایران قرار گرفت. تروریست‌های حزب الهی سوار بر ماشین‌های خود به اجتماع کنندگان حمله کرده و با کلت به سمت تظاهرکنندگان تیراندازی کردند. بر اثر تیراندازی آدمکشان رژیم خمینی یک نفر از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به نام محمود رضایکبندی بر اثر اصابت گلوله به سرش فوراً کشته شد. ۵ تن دیگر نیز بر اثر اصابت گلوله زخمی شدند.

رفیق محمود رضایکبندی متولد ۱۳۳۴ و اهل آبادان بود. وی که به دلیل شرایط ترور و خفقان حاکم بر ایران مجبور به ترک میهن خود شده بود، بخاطر اعتراض نسبت به کشتار زندانیان سیاسی در ایران، قربانی تروریسم افسارگسیخته رژیم خمینی گشت.

لازم به تاکید است کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی که از چندی پیش آغاز شده بود، در دو، سه هفته اخیر چنان ابعادی یافته است که سخن از نابودی همگی زندانیان سیاسی در میان است. بخاطر اعمال سانسور شدید حکومت، ارائه آمار دقیق در این زمینه ممکن نیست اما همه شواهد دال بر این است که در طی همین مدت، چند هزار زندانی سیاسی اعدام شده‌اند. با وجود همه محدودیت‌ها، ما طی دو هفته نام و مشخصات ۱۴۶ نفر از آنها را جمع‌آوری و در اطلاعیه‌هایی قبلی منتشر کردیم. بر لیست زندانیان سیاسی که برای ما اعدام آنها مسجل شده است ساعت به ساعت افزوده می‌شود.

تروریسم رژیم خمینی مرز نمی‌شناسد. این حکومت در خارج از مرزهای کشور و هر آنجا که شرایط را مساعد ببیند نیز به قتل و کشتار دست می‌زند. این دو مین بار است که در پاکستان پناهندگان سیاسی و مخالفین حکومت فقها مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرند. در سال گذشته مامورین رژیم خمینی که به انواع تسلیحات جنگی مسلح بودند، با اتکا به حمایت دولت ضیاالحق در حمله به یک ساختمان پناهندگان، چندین نفر از پناهندگان سیاسی ایرانی را کشتند. جمهوری اسلامی اقدامات تروریستی خود در منطقه را با اعمال فشار بر رژیم‌های کشورهای همسایه ایران برای بازپس فرستادن پناهندگان ایرانی و سپس اعدام آنها تکمیل می‌کند.

ما از همه دولت‌ها، احزاب و سازمان‌ها، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر و از همه رسانه‌های همگانی می‌خواهیم که تروریسم افسارگسیخته رژیم خمینی را محکوم کرده و مانع از کشتار بهترین فرزندان مردم ایران در زندان‌ها، در درون ایران و در ورای مرزهای کشور ما شوند.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در اروپا

رژیم

به کشتار زندانیان سیاسی

اعتراف می‌کند

با وجود اینکه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در سطح جامعه در وسیع‌ترین سطح بازتاب یافته است، رژیم خمینی تا روز شنبه این هفته کوشش داشت جهت تأمین تسهیلات در مناسبات خارجی رسماً آنرا نپذیرد و انکار نماید. حتی در همین هفته گذشته هاشمی رفسنجانی صریحاً تمامی این رویداد عظیم و مخوف را وقیحانه انکار کرد. اما بازتاب این فاجعه در سطح جامعه و جهان فقها را بالاخره ناچار به اعتراف ساخت و در روز شنبه ۱۹ آذر موسوی اردبیلی قاضی القضاة خمینی رسماً به آن اعتراف کرد. وی در مصاحبه‌ای با رادیوی رسمی رژیم پذیرفت که «اهدای ما» صورت گرفته است. رئیس شورای عالی قضایی در همین مصاحبه همچنین ناگزیر به اعتراف تلویحی به این حقیقت شد که اعدام‌شدگان در هیچ محکمه‌ای به اعدام محکوم نشده بودند و اعدام آنان به این خاطر صورت گرفت که در «لیست هغو» رژیم جمهوری اسلامی نمی‌گنجیدند و چون در «لیست هغو» نمی‌گنجیدند در لیست اعدام قرار داده شدند.

موسوی اردبیلی در این مصاحبه که در برنامه خبر شامگاهی روز شنبه (۱۹ آذر) رادیوی ایران پخش شد، گفت: ما فرصت داده بودیم که اینها در لیست هغو قرار گیرند، اما آنها نه تنها از این فرصت استفاده نکردند، بلکه در زندان هم دست به تحریک زدند.

با اعتراف علنی موسوی اردبیلی به کشتار همگانی زندانیان سیاسی، هرگونه امکان برای دروغ‌پردازی‌های وقیحانه از کارگزاران رژیم فقها سلب می‌شود. از این اعتراف برای گسترش باز هم بیشتر کارزار جهانی علیه رژیم سفاکی که فاجعه‌ای اینهمه هولناک را آفریده است، بهره بگیریم.

برای من، با حرفی سیاه در یک اعلامیه.

آی که چه بی‌رحم من و جهان چقدر بی‌عدالت است. او را به گونه‌ای دیگر می‌خواهم. می‌خواهم او را همانگونه که بود در ذهن آورم. و او باز اینجاست در برابر من، سیگار با سیگار می‌گیراند و از دهانش سیلی از کلمات آفشته به دود خارج می‌شوند. سخت سرگرم بحثیم...

اما حواس من جای دیگری است. او همچنان سخن می‌گوید و من او را در فضای دیگری تجسم می‌کنم. روی چمن دراز کشیده‌ایم و از هر دری

حرف می‌زنیم. زمین نمرور است و آفتاب داغ. جهان تا این حد مادیت دارد...

... جزوهای داریم که هر کلمه‌اش را تفسیر می‌کنیم. سه‌بار آن را با هم خوانده‌ایم. ما جهان را می‌شناسیم و برای همه مسائلمان پاسخهای شایسته‌ای یافته‌ایم... بهانه‌ای پیش آمده تا پیاله‌ای سرکشیم. او سرخوش است و آواز می‌خواند. دمت گرم!... مضطرب است و من بیشتر از او. ضربه تا کجاست؟... سالهای سیاه به سر می‌آیند. از کوه بهمنی عظیم سرازیر

می‌شود. آرام و قرار ندارد. ... جلسات، جلسات، او را در جلسات پیایی می‌بینیم... و بعد مدتی نمی‌بینمش. پس از چندی که فرصت دیدار پیش می‌آید، هر دو در می‌یابیم که چقدر از هم دور افتاده‌ایم. هر کس به گونه‌ای می‌اندیشد. کجایی رفیق؟ پاسخش می‌گویم: تو کجایی؟... همدیگر را در خیابان می‌بینیم. هر دو بی‌پناهم. بالاخره جایی را می‌یابیم تا شب را سرکنیم. ترجیح دادیم از خاطرات گذشته حرف بزنیم...

حالا دیگر او ساکت شده است و منم که سخن می‌گویم. اما بحث بی‌فایده است. نه من قانع می‌شوم و نه او. یک جای کار می‌لنگد. در این اندیشه‌ام، که در را با لگد می‌کشایند. هر دو از جا می‌پریم. استکان چای از دست من به زمین می‌افتد. اما انگار کسی مرا نمی‌بیند. من محو شده‌ام و آنها تنها او را با خود می‌برند. به دنبالشان می‌روم.

راهروی تاریک را طی می‌کنیم. پله‌هایی را بالا می‌رویم. پله‌هایی را پایین می‌رویم. از هر

اتاق یکی را، دوتارا و یا ده‌تا را بیرون می‌کشند. یکی می‌گیرد، یکی آه می‌کشد، یکی می‌لرزد و یکی سرود می‌خواند. من مات و میموتم. در حیاط زندان او فقط فرصت می‌یابد تا نگاه همگینانه‌ای به من بیفکند و سرش را تکان دهد که بدرود. کوشش می‌کند لبخندی بزند. لحظاتی بعد چوی نازکی از خون از گوشه لبانش به بیرون راه می‌گشاید و روی گونه‌اش می‌فلتد... چه همینبت آشکاری، سرخ مثل خون، سنگین مثل سرب. دیگر قانع شده‌ام...

قانون جدید مبارزه با مواد مخدر

هروئین حمل کنند، اهدام منظور شده است. مدت اعتبار این قانون دو سال است که نخستین مرحله آن به مدت ۶ ماه از ۲۹ دی ماه آغاز خواهد شد. به معنای سراسر کشور ۲ ماه فرصت داده شده است که ترک اعتیاد کنند. در پایان مهلت مقرر با آنان مطابق قانون جدید رفتار خواهد شد. اکثر قربانیان اعتیاد جوانان و نوجوانان و میلیون ها تن از کسانی هستند که به مشاغل کاذب اشتغال دارند و قادر به تامین معاش نیستند و برای گریز از فشار اجتماعی به دام اعتیاد و توزیع مواد مخدر افتاده اند. طبق آمار رسمی بیش از ۲ میلیون نفر معتاد هستند، ۵ میلیون نفر بیکار و بیش از ۱۵ میلیون تن به کارهای کاذب مشغول هستند. بیکاری، نداشتن چشم انداز برای جوانان کشور و دیگر عوامل اجتماعی و روانی زمینه های موثر گسترش اعتیاد هستند.

مجمع تشخیص مصلحت هفته گذشته قانون جدید مبارزه با مواد مخدر را که در آبان ماه سال جاری تصویب شده بود، جهت اجرا به ستادی که به همین منظور در نخست وزیری تشکیل شده است، ابلاغ کرد.

در قانون جدید مبارزه با مواد مخدر، ستاد اجرایی به ریاست نخست وزیر و مرکب از دادستان کل کشور، وزیر کشور، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مدیرعامل صدا و سیما، سرپرست دادرسی مبارزه با مواد مخدر، فرمانده کمیته ها، سرپرست زندانها و وزیر اطلاعات و امنیت تشکیل گردیده است.

قانون جدید، مجازاتهایی را برای تهیه کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان در نظر گرفته و برای کسانی که حداقل ۳۰ گرم

برنامه بازسازی مناطق جنگ زده

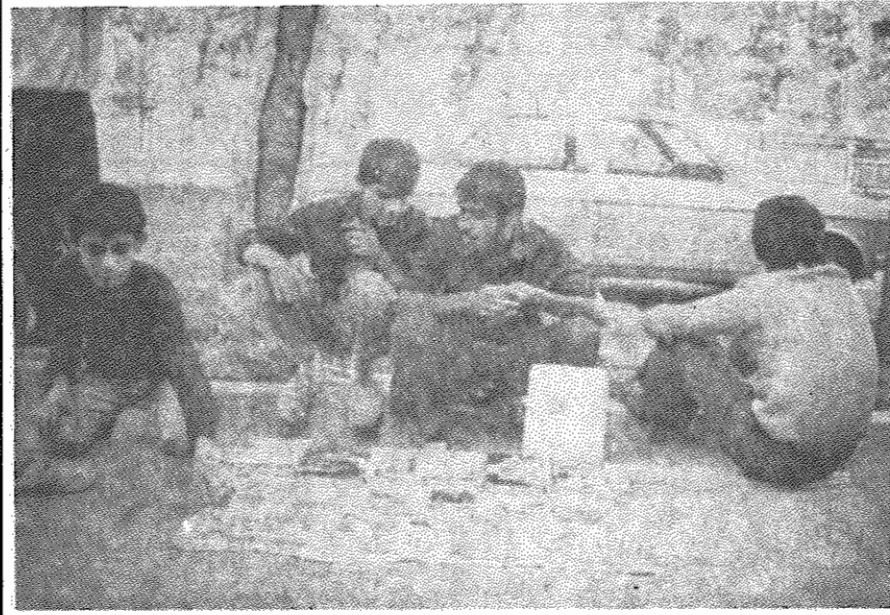
معاون اجرایی موسوی نخست وزیر روز شنبه ۱۸ آذر در یک مصاحبه مطبوعاتی برنامه بازسازی و اعتبارات تامین شده برای نوسازی و بازسازی هر یک از بخشهای مختلف آسیب دیده از جنگ را تشریح کرد. میرزاده اظهار داشت که با تصویب مجلس مبلغ ۵۰ میلیارد و ۴۲۰ میلیون ریال و ۴ میلیون و دویست هزار دلار برای بازسازی و نوسازی تاسیسات و اماکن آسیب دیده از جنگ در ۳ ماهه آخر سال جاری اختصاص یافت. در برنامه مصوب مجلس مبلغ ۳۰ میلیارد ریال برای بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری و تامین نیازهای ناشی از جنگ در نظر گرفته شد که این رقم کلیه شهرها و مناطق آسیب دیده از جنگ را شامل میشود. میرزاده وعده داد که بازسازی و نوسازی کلیه شهرهای مناطق جنگ زده و آسیب دیده که دارای سکنه هستند تا پایان سال ۶۸ خاتمه یابد. معاون اجرایی نخست وزیر و رئیس ستاد بازسازی در ادامه مصاحبه اظهار کرد که مبلغ ۱۵ میلیارد ریال بابت طرح های بازسازی بخش صنعت شامل صنایع فولاد اهواز، فرستنده های صدا و سیما، کاغذسازی پارس، کارخانجات تند مناطق جنوب و غرب کشور، کشت و صنعت هفت تپه، کشت و صنعت کارون، فرودگاه های استان های جنگ زده، کارخانه های سیمان مناطق جنگ زده، کارخانه های تولید شیر پاستوریزه و... اختصاص یافته است.

معاون اجرایی نخست وزیر همچنین گفت که مبلغ ۲۵۵ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار برای بازسازی مجتمع پتروشیمی رازی، پالایشگاه آبادان، پالایشگاه گاز مایع نفت شهر، پالایشگاه گاز کنگان، نیروگاه ها... منظور شده است. مبلغ ۷۰ میلیون دلار از این اعتبار برای بازسازی فاز اول پالایشگاه اصفهان اختصاص دارد. طبق اظهارات وزیر صنایع، در بودجه برنامه بازسازی در حالی که برای تامین هر تن سیمان ۳ دلار ارز لازم است، یک دهم آن در نظر گرفته شده است.

منابع تامین بودجه بازسازی به صورت کلی اعلام شده و جزئیات آن مطرح نگردیده است. اکنون قطعیت یافته است که جمهوری اسلامی در نظر دارد ارز مورد نیاز برای بازسازی را از طریق دریافت وام از کشورهای خارجی تامین کند. در این زمینه رفسنجانی روز سه شنبه ۱۸ آذر در مصاحبه با خبرنگاران اعلام داشت: "در مورد وام گرفتن بطور یقین آمادگی داریم که از منابع ارزی خارج استفاده کنیم. ولی در مورد کیفیت آن که به صورت اعتبارهای دراز مدت دولت ها یا به صورت "بای بک" یا اشکال دیگر باشد منجمله به شکلی که با آلمان ها مذاکره کردیم اگر به نتیجه نهایی برسد می تواند الگویی برای سایر کشورها هم باشد."

تدوین بودجه سال ۶۸ کشور آغاز شد

بررسی لایحه بودجه کل کشور برای سال ۱۳۶۸ از روز چهارشنبه هفته گذشته در هیات دولت آغاز شده است. طی دو جلسه، ۱۵ تبصره از لایحه مذکور به تصویب هیات وزیران رسید. جزئیات قانون بودجه هنوز انتشار نیافته و طبق

در خواست نمایندگان مجلس
از منتظری

در هفته گذشته دو نامه از سوی نمایندگان مجلس به خمینی و منتظری ارسال شد. نامه نمایندگان به منتظری پس از پاسخ خمینی به نامه نخست آنان انتشار یافت. در مکاتبات چهارم - مجلس - قم موضوع قانون اساسی که احتمال برخی تغییرات در آن در نماز جمعه از سوی خامنه ای طرح شده است، مورد توجه بود. در نامه دوم نمایندگان مجلس حمایت "قاطع" خود را از "قائم مقامی" منتظری اعلام داشتند و خطاب به وی نوشتند: "ما نمایندگان مجلس که سوگند یاد کرده ایم همواره بر اساس قانون اساسی و رهنمودهای مقام رهبری حرکت کنیم، حمایت قاطع و تبعیت کامل خود را از امام امت و حضرتعالی و رهنمودهای روشنگرانه آنان اعلام نموده و از کلیه مسئولین کشور مصرانه می خواهیم تمامی تذکرات صریح و دلسوزانه شما را با جدیت به اجرا گذارند."

ضوابط رسمی باید تا پیش از پایان سال جاری به تصویب مجلس برسد.

قانون بودجه ای که هم اکنون در اختیار کمیسیون مجلس است بنا به احترام نمایندگان نشانگر افزایش کسری بودجه و ناتوانی دولت برای تامین منابع مالی هزینه های ضروری است. در مجلس پیرامون "ریز قانون بودجه" اظهار شد که "بخش کالاهای اساسی و کالاهای مصرفی واردات جهت تولید داخلی با تعهدات ۲ میلیارد دلار است. کالاهای وارداتی و ارزهای طرح های هم رانی جداول چهار و پنج بودجه ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار، فرآورده های نفتی، نفت سفید، گاز مایع، گازوئیل، پالایشگاه های اراک و بندرعباس، خطوط لوله و کارخانه روغن سازی اصفهان ۲ میلیارد و جمع هزینه های ارزی ضروری ۱۳ تا ۱۵/۵ میلیارد دلار می باشد. در سال های آینده و سال جاری هم پیش بینی می شود که حداکثر بیش از ۸ تا ۱۲ میلیارد دلار، حالا هر جور نوسانات باشد نخواهیم داشت. یعنی حدود ۷ بگیرد تا ۱۵ تا ۱۲، بیشتر به هیچ وجه نخواهد شد."

از میان دیگر رویدادها

سه شنبه هفته گذشته در پایان دیدار "اسکاراشنایدر" وزیر ساختمان و شهرسازی آلمان فدرال از ایران، دو طرف با امضای یک یادداشت تفاهم موافقت خود را برای همکاری اقتصادی و حضور انحصارات آلمانی در امر بازسازی اهلام داشتند. در یادداشتی که در تهران توسط کاررونی وزیر مسکن و آبادانی و "اشنایدر" به امضا رسید موضوع همکاری برای افزایش ظرفیت واحدهای تولیدی و سایل ساختمانی از جمله واحدهای تولیدی سیمان، فولاد، شیشه، طرحهای احداث مجتمعهای مسکونی مورد گفتگو قرار گرفت.

* شرکت هواپیمایی بریتانیا تصمیم گرفت آغاز پروازهای منظم خود را به تهران برای مدت نامعلومی به تعویق اندازد. قرار بود پروازهای "بریتیش ایرویز" از روز ۲۲ آذر آغاز شود. از سه سال پیش با آغاز جنگ شهرها میان ایران و عراق پروازهای بین المللی به ایران متوقف شد ولی هفته گذشته در پی بازگشایی سفارت بریتانیا در تهران شرکت "بریتیش ایرویز" نیز اعلام کرد که پروازهای هادی خود را به ایران از سر می گیرد.

خبرهای هولناک فاجعه

کشتار همگانی زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه ۶

نمی توان آخرین دانست، ما تکمیل و تدقیق این فهرست و انتشار بلادرنگ آنرا در سطح جنبش و وظیفه خود می دانیم و در این راه همچنان خواهیم کوشید و از همه امکانات بهره خواهیم گرفت. شمار اسامی شهیدان در فهرست این شماره به ۱۹۴ تن رسیده است. فهرست پیشین را در این شماره از جمله با بهره گیری از اطلاعاتی که خوانندگان نشریه در جهت انجام وظیفه انقلابی خویش و از سر هشق به شهیدان جنبش و آرمانهای شکوهمند آنان، از طرق گوناگون در اختیار ما نهاده اند، تکمیل، تدقیق و تصحیح کرده ایم. علاوه بر اسامی منتشره، اسامی دیگری نیز در پرده هست که بخاطر فقدان مشخصات کامل و برخی ابهامات دیگر در فهرست منتشره گنجانده نشده است. این کار پس از تدقیق نهایی صورت خواهد گرفت.

انتشار این مجموعه نامه، به مثابه وظیفه ای درنگ ناپذیر، در حکم انتشار انکار ناپذیرترین سند برای هر چه بیشتر افشا ساختن فاجعه ای است که در میهن ماتکونین یافته است؛ امری که لحظه ای تاخیر نیز بر آن جایز نیست. از این سند بهره بگیریم. سلاح برائی است. آنرا همچون پرچم خونین مبارزه لحظه مان بر سردست بگیریم و بی هیچ تعلل و تاخیری به جهانیان عرضه کنیم. با ایمان به وجدان بشری مطمئن باشیم که از آگاهی جهانیان بر فاجعه ای که تکوین یافته است، می تواند نیرویی ساخته شود که دژ خیمان را وادار به درنگ نماید. مقدم تر از این برای هر آنکه سودای آزادی، سودای مردم و میهن در سر دارد، وظیفه ای وجود ندارد.

وزیر کار: مسئله رفاه کارگر خیلی زود مطرح شده است

کارخانجات فلبه کنند. در این "قانون" حق تشکل مستقل کارگران و بسیاری از حقوق صنفی اولیه آنان نادیده گرفته شده است. وزیر کار با اشاره به جنگ و خواسته های کارگران اظهار کرد که "جنگ سپری شده و باید ضمن ایستادگی در مقابل انحرافات در واحدهای تولیدی، سختیها را تحمل کنید" سرحدی زاده با اظهار اینکه خواسته های صنفی کارگران در شرایط کنونی یک مطالبه و خواست "انحرافی" است، و قبحانه اعلام داشت که به اعتقاد وی "مسئله رفاه عمومی خیلی زود مطرح شده است" و باید در مقابل آن "ایستادگی" کرد.

روز چهارشنبه نم آذر از سوی وزارت کار و شوراهای اسلامی کارخانجات یک گردهمایی در تهران ترتیب یافت تا مسایل کارگری و مشکلات رژیم در برخورد با کارگران که بعد از پذیرش قطعنامه شدت یافته، بررسی شود. در این گردهمایی که با سخنرانی سرحدی زاده وزیر کار فعالیت آن آغاز شد، مسئله ضرورت تصویب نهائی "قانون کار" مصوب مجلس که هم اکنون در اختیار "شورای تشخیص مصلحت نظام" است، تاکید شد و سرحدی زاده هشدار داد که اگر "قانون کار" تصویب نشود، مدیران واحدهای تولیدی نمی توانند بر سایر مشکلات در

اطلاعیه دادسرای ویژه روحانیت

معدی ماشمی از اعضای دفتر منتظری به منظور محاکمه آخوندها تشکیل شد. سه تن از تیرباران شدگان نمایندگان دوره های سابق مجلس بودند و نجف آبادی رابط منتظری با مجلس بود. در اطلاعیه دادسرای ویژه ادعا گردید که متهمین "به جرم فساد مالی" و "اخلاقی" اعدام شده اند.

جمهوری اسلامی اسامی عرتن از اشخاصی را که همراه امید نجف آبادی تیرباران شدند اعلام کرد. اطلاعیه از سوی دادگاه ویژه روحانیت انتشار یافت و متن آن در مطبوعات منعکس شد.

دادگاه ویژه روحانیت، تابستان سال ۶۵ بعد از افشای ماجرای "ایران گیت" و دستگیری

اعضای اوپک ماه گذشته ۴ میلیون بشکه نفت اضافه تولید داشتند

نفت روزانه صادر کرده اند که ۱/۳ میلیون بشکه از تولید ماه اکتبر و ۴ میلیون بشکه از میزان تعیین شده در اجلاس وین بیشتر است. بر اساس گزارش همین منبع خبری، در ماه گذشته ایران میزان تولید خود را ۳۵۰ هزار بشکه و هربستان ۸۵۰ هزار بشکه در روز افزایش دادند.

در حالیکه کشورهای عضو اوپک در هشتادو چهارمین نشست خود در وین مقرر کردند که برای جلوگیری از سقوط بعضی نفت سقف تولید مجموعه اعضای این سازمان را در ۱۸/۵ میلیون بشکه محدود سازند، گزارش ها حاکی است که سطح تولید کنونی هنوز بسیار بیشتر از این حجم تعیین شده است. گزارش اکثر رسانه ها و مطبوعات امور نفتی بیانگر ادامه عرضه بی رویه نفت در بازار جهانی است. طبق اخبار آژانس بین المللی انرژی از پاریس، سقف تولید کشورهای عضو اوپک طی ماه گذشته به صورت بی سابقه ای صعود کرده است. بنابراین گزارش اعضای اوپک در ماه گذشته ۲۲/۶ میلیون بشکه

کمک های مالی رسیده

۱۰۰۰ مارک
۱۰۰ مارک
۲۰ مارک
۲۲/۶ مارک
۱۵ مارک
۵۰ مارک
۱۵۰ مارک

۱۰۰۰۰ کرون
۸۰ کرون

۲۰۰ فرانک
۲۰۰ فرانک
۱۰۰۰ فرانک
۱۷۷۰ فرانک
۲۵۰ فرانک

"دکتر از آلمان" جهت کمک به خانواده زندانیان سیاسی از فرایبورگ جهت کمک به خانواده زندانیان سیاسی به یادر فیک انوشیروان لطفی از گوتینگن به یادر فیک شهید انوشیروان لطفی از بیلفلد تمبر پستی معادل به نام امیر پرویز پویان از بیلفلد رفیق A-A از لمگو الوند

دانمارک

همبستگی با خانواده جنبش و خانواده زندانیان سیاسی در بند دامون به خانواده زندانیان سیاسی

بلژیک

محمود برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از شهرگان فلام برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از شهرگان پیام از بروکسل جمعی از رفقا از بروکسل به یادر فیک شهید ناصر شراره

فهرست اسامی ۱۹۴ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

- ۱- گل علی آتیک (حزب توده ایران)
- ۲- حسن آخر خوب (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۳- اصغر آراسته (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۴- محممت الله آرين (سازمان فدائیان خلق اکثريت)
- ۵- مختار آوی سنگ (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۶- مرضيه آيت الله زاده شیرازی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷- اسد ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۸- مصطفی ابراهیمی
- ۹- همت ابراهیمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۱۰- اهراف احمدی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۱۱- جمیل احمدی آرام- (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۲- سیروس ادیبی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۱۳- علیرضا اسکندری شاهپور- (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۱۴- جمال اسکندری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۵- صداسلامی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۱۶- حکمت اسمعیل (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۱۷- سر هنگ ابوالقاسم افرایی (حزب توده ایران)
- ۱۸- کسری اکبری کردستانی (حزب توده ایران)
- ۱۹- ناصر الماسیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۲۰- حمزه الماسی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۲۱- پرویز الهی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۲۲- سعید امامی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۲۳- جمشید بابا علی
- ۲۴- ابوتراب باقرزاده (حزب توده ایران)
- ۲۵- عبدالعظیم باقری
- ۲۶- صلاح باوریز (سازمان زحمتکشان کردستان کومله)
- ۲۷- بخت آبادی
- ۲۸- حبیب بدن آرا
- ۲۹- کامران بوئینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۰- کیومرث بوئینی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۱- منوچهر بهزادی (حزب توده ایران)
- ۳۲- سیامک بهزادی
- ۳۳- محمود به کیش (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۳۴- علی به کیش (سازمان چریک های فدایی خلق اقلیت -)
- ۳۵- بهرام بیداریان (سازمان مجاهدین خلق)
- ۳۶- ناخدا محسن بیدگلی (حزب توده ایران)
- ۳۷- حسین بیگدلی (سازمان فدائیان خلق ایران پیرو بیانیه ۱۶ آذر)
- ۳۸- اسدالله پژمان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۳۹- سید محمود پناهی
- ۴۰- مهر دادپناهی شبستری
- ۴۱- اسدالله پنجه شاهی
- ۴۲- علینقی پور احمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۴۳- اسماعیل پور محمدی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۴۴- حمید تاج دینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۴۵- کریم تالابی
- ۴۶- علیرضا تشید (راه کارگر)
- ۴۷- فریدثانی
- ۴۸- احمد ثقلینی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثريت)
- ۴۹- دکتر جعفر جاویدفر (حزب توده ایران)
- ۵۰- ابوبکر جدیدالاسلام
- ۵۱- حسن جلالی (حزب توده ایران)
- ۵۲- محمدرضا جلالی فر (حزب توده ایران)
- ۵۳- حسین جودت (حزب توده ایران)
- ۵۴- ابراهیم چاوشی
- ۵۵- محمد حاتمی
- ۵۶- هدایت الله حاتمی (حزب توده ایران)
- ۵۷- فرهاد حاج میرزایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۵۸- لیلی حاجیان نژاد (سازمان مجاهدین خلق)
- ۵۹- عباس مجری بختانی (حزب توده ایران)
- ۶۰- محسن حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۱- منصور حریری (سازمان مجاهدین خلق)
- ۶۲- ابراهیم حسن پور شیرازی (حزب توده ایران)
- ۶۳- مهدی حسینی پاک
- ۶۴- حسن حسن پور (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۶۵- شفیق حسین پور (حزب توده ایران)
- ۶۶- رحیم حسین پور و دسری (راه کارگر)
- ۶۷- قلام حق بیان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۶۸- عبدالعلی حقیقتیان رودسری
- ۶۹- حمید حقی متیع (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۰- حکیمی ریزی بندی (سازمان مجاهدین خلق)
- ۷۱- علی نقی حمیدیان
- ۷۲- شهریار حیدری (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۷۳- کریم حیدر نژاد
- ۷۴- علی خاتونی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
- ۷۵- محمد حسین خانی کارگر
- ۷۶- اسعد خاموشی

خبرهای هولناک...

بقیه از صفحه اول

دافدار شهیدان پر کرده بودند. جای سوزن انداختن نبود. همه باهم بر سر گورهای بی نشان گرد آمده بودند. دسته های گل های سرخ گورهای جمعی را پوشانده بودند. رنجی این همه بزرگ نتوانسته است، خانواده های این دلیران را در هم بشکند. خانواده ها یکدیگر را یاری می دهند و همه آنان از یاری قدرشناسانه مردم برخوردارند. در منازل آنها یادواره شهیدان باشکوه برپاست و محل تجلی همبستگی رزمجویانه است. دژخیمان هنوز هم دست از سر این دافداران بر نمی دارند. برای بازداشتن آنان از برپایی مراسم یادبود و برای بازداشتن آنان از بیان انزجار نسبت به این رژیم آدمخوار، هر چه که می توانند، می کنند. در هفته های اخیر بسیاری از خانواده ها را به کمیته ها کشاندند و با تهدید و تمهیدات دیگر کوشیدند آنان را مرعوب نمایند. در تهران پاسداران در چند مورد به منزل اقوام شهیدان ریختند و باهتاک و تحقیر کوشیدند نفرت آنان را گام زنند. دژخیمان به گونه ای هیستریک مادران و پدران دافدیده را آزار می کنند. در لرستان در حین دادن خبر اعدام به بستگان هر شهید، و قیحانه زبان به

هتاک آنان گشودند. در بسیاری نقاط از جمله در تهران، مادران و پدرانی را که برای گرفتن خبری از سرنوشت فرزند زندانی خود به زندانبانان مراجعه می کنند، هفته ها در اضطرابی مذاب آلود و جانکاه نگه می دارند. تایید قطعی خبر را هر بار به بار دیگر موکول می کنند و بدینگونه آنانرا شکنجه می نمایند.

آخرین خبرها حاکی است که همه انزجاری که با انتشار اخبار کشتار همگانی زندانیان سیاسی برانگیخته شده، هنوز نتوانسته است این کشتار را متوقف کند. خبرهای معینی از اعدام زندانیان در همین هفته، بدست ما رسیده است. هنوز هم برآورد دقیقی از شمار انبوه کشتگان مقدور نیست. سخنان اخیر رئسجانی در انکار گستاخانه تمامی این قتل ها، در میان مردمی که هر کوی و برزن شهرشان دافدار است خشم شدیدی برانگیخته است، همزمان با این دروغپردازی و قیحانه، دادن خبر اعدام به خانواده های قربانیان نیز کندتر شده است و این کار گردآوری اسامی و برآورد دقیق تر شمار شهیدان را دشوارتر می کند.

با این همه، از انبوه کشتگان، همچنان نامهای تازه ای بدست ما می رسد. هیچ فهرستی را بقیه در صفحه ۵

- ۷۷- جمشید خردوزی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۷۸- ابوالحسن خطیبی (حزب توده ایران)
۷۹- اکبر خطیبی (حزب توده ایران)
۸۰- خضایار خواجهیان فرامرزی- (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۸۱- کریم خوش تقلال (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۸۲- فرزاد دادر (حزب توده ایران)
۸۳- اسدالله داریک بندی
۸۴- دکتر احمد دانش غریب پناهی (حزب توده ایران)
۸۵- بهرام دانش (حزب توده ایران)
۸۶- محمد دریاباری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۸۷- رضادلیلی (حزب توده ایران)
۸۸- لیلی دلیلی (سازمان مجاهدین خلق)
۸۹- احمد همدانی (سازمان مجاهدین خلق)
۹۰- اسماعیل ذوالقدر (حزب توده ایران)
۹۱- تیمور راوندی (حزب توده ایران)
۹۲- محمدرضا جالی فر (حزب توده ایران)
۹۳- محمدرضا جانی مند (حزب توده ایران)
۹۴- صلاح رجیبی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۹۵- حسین رحیمیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۹۶- محمدرضا قی
۹۷- آصف رزم دیده (حزب توده ایران)
۹۸- روشن زاده
۹۹- جمال رضایی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۰۰- محمدریاضی (راه کارگر)
۱۰۱- جعفر ریاضی (راه کارگر)
۱۰۲- عزت الله زارع (حزب توده ایران)
۱۰۳- علی زمر دیان (سازمان پیکار)
۱۰۴- هوشنگ زندی (سازمان زحمتکشان کردستان کومله)
۱۰۵- حسین سیاه قلم
۱۰۶- کمال سیدمرادی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۰۷- جمال سیدمرادی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۰۸- زهرا سیدی سیاه اسطوخی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۰۹- مجید شاه حسینی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۱۰- ناصر شاهسون (حزب توده ایران)
۱۱۱- چنگیز شریقی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۱۲- سروان شفیق پور
۱۱۳- مجید شمس آباد
۱۱۴- سرگرد رحیم شمسی (حزب توده ایران)
۱۱۵- حسین شهیدی
۱۱۶- اکبر صادقی بناب (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۱۷- فریبرز صالحی (حزب توده ایران)
۱۱۸- رضا صالحی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۱۹- عبدالعظیم صبوری (ارتش‌رهایی بخشی ایران چریک‌های فدایی)
۱۲۰- حسن صداقت پور
۱۲۱- حسین صدراپی ساقدامی- (سازمان فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶ آذر)
۱۲۲- علی صدراپی (سازمان فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶ آذر)
۱۲۳- کمال صدرزاده (رنجبران)
۱۲۴- حسن صراف پور (حزب توده ایران)
۱۲۵- حسین صفوی نیا (حزب توده ایران)
۱۲۶- تادر صلواتی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۲۷- مهران صمدزاده (سازمان مجاهدین خلق)
۱۲۸- ۱۲۹- صفری طاهری و همسرش (سازمان مجاهدین خلق)
۱۳۰- اتو شیروان طاهری (حزب توده ایران)
۱۳۱- عبدالمسین... (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۳۲- باقی هثمائی
۱۳۳- ناصر عطایی (سازمان فداییان خلق ایران اکثریت)
۱۳۴- احمد میوضی
۱۳۵- دکتر سیف الله فیاضوند (حزب توده ایران)
۱۳۶- جهانگیر فتحی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۳۷- مهر دادفر جادآزاد (حزب توده ایران)
۱۳۸- مهر دادفر زانه‌ثانی
۱۳۹- داوود فرعی
۱۴۰- فغانی فر
۱۴۱- فولادی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۴۲- رضافیاض پور
۱۴۳- صلاح فیضی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۴۴- حسین قاسم نژاد (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۴۵- عباس قاسمی ملایی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۴۶- قربان نژاد (حزب توده ایران)
۱۴۷- داوود قریشی (حزب توده ایران)
۱۴۸- همت قلاوند (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۴۹- حسین قلم‌بر (حزب توده ایران)
۱۵۰- بهمن قنبری (حزب توده ایران)
۱۵۱- ساسان قندی (حزب توده ایران)
۱۵۲- سعید کاظمی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۵۳- هوشنگ کامرانی میهنی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۵۴- شهلا کلاه توجی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۵۵- رضا کمپانی (حزب توده ایران)
۱۵۶- حسن کوچکی
۱۵۷- مهدیه گرانیان
۱۵۸- عطیه گزان (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۵۹- علی گلچین (سازمان مجاهدین خلق)
۱۶۰- فیض‌الله گلی
۱۶۱- رسول گیوه‌خان
۱۶۲- محمد جواد لاهیجانیان (حزب توده ایران)
۱۶۳- سعید متین (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۶۴- اصغر محبوب (حزب توده ایران)
۱۶۵- مجتبی محسنی (سازمان فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶ آذر)
۱۶۶- رفعت محمدزاده مسعوداخر- (حزب توده ایران)
۱۶۷- صابر محمدزاده (حزب توده ایران)
۱۶۸- علیرضا محمدی کمیجانی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۶۹- علی مرادی (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۷۰- رضامرادیان
۱۷۱- مسعود... اهل خمم گیلان
۱۷۲- مهر دادمطلق (سازمان فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶ آذر)
۱۷۳- سهراب مطلق
۱۷۴- میت‌الله معینی چافروند- همایون (سازمان فدائیان خلق پیرو بیانیه ۶ آذر)
۱۷۵- عطامعینی (راه کارگر)
۱۷۶- حمید منتظری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۷۷- عباسعلی منشی رودسری (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۷۸- رسول موسوی
۱۷۹- کیوان مهاجر (سازمان زحمتکشان کردستان ایران کومله)
۱۸۰- کورس میرزایی
۱۸۱- کورش میرزایی
۱۸۲- میرشکاری (راه کارگر)
۱۸۳- فرج‌الله میزانی جوانشیر- (حزب توده ایران)
۱۸۴- امیر هوشنگ ناظمی نیک‌آئین- (حزب توده ایران)
۱۸۵- حسن نصرا
۱۸۶- سید محمد نظامی
۱۸۷- بیژن نعمان پور (سازمان پیکار)
۱۸۸- موسی نعمتی (سازمان مجاهدین خلق)
۱۸۹- ناصر نوروزی
۱۹۰- کاظم همدانیان (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۹۱- جعفر هوشمند
۱۹۲- محمود هوشی
۱۹۳- حسام یگانه (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۹۴- داریوش یوسفی (سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت)
۱۹۵- ۰۰۰۰

به مناسبت روز جهانی حقوق بشر

کسی را نباید شکنجه کرد. در مورد هیچ کس نباید رفتار یا مجازاتی ظالمانه، غیرانسانی و یا خوارکننده معمول داشت.

ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

شکنجه

می کشیدند. به زندانی، هفته ها خوراک می دادند. مدفوع زندانی در محفظه می ماند و کرم می انداخت. پس از مدتها کرمها آنقدر زیاد می شدند که به بدن زندانی هجوم می آوردند و زندانی، بطرزی فجیع زنده زنده طعمه کرمها می شد.

از این گونه حکام "عادل" در تاریخ ما فراوان بوده اند. جمله اهراب و سیطره اسلام، فصل جدیدی در "عدالت" اینچینی گشود، فصلی که تا امروز ادامه دارد.

در اسلام شکنجه بانامهای "تعزیر" و "حد" رسمیت یافته است. قطع دست و پا، شلاق زدن، سنگسار کردن، از جمله شکنجه هایی است که تا امروز نیز فقها اعمال آن را قانون می دانند. علاوه بر اینگونه شکنجه ها، حکام اسلامی از انواع دیگر شکنجه مانند شمع آجین کردن، چهار شقه کردن، در سرب مذاب انداختن و غیره نیز بهره گرفته اند. نمونه ها زیادند: بابک، منصور حلاج، عین القزات، سرکوب خونین و شکنجه های هولناک بایبون و یغایی ها...

در اروپا، همزمان با پیشرفت های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، در قرن هجدهم اندیشه منع شکنجه نیرو گرفت. در فرانسه، اعلامیه حقوق بشر که پس از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ به تصویب کنوانسیون رسید، شکنجه را برای همیشه ممنوع اعلام کرد. حق مصونیت از شکنجه، در این اعلامیه حتی "طبیعی و انکار ناپذیر و مقدس" دانسته شده است. در تاریخ انقلاب فرانسه، که البته در آن هزاران نفر به پای گیوتین فرستاده شدند، موارد بسیار معدودی از شکنجه به ثبت رسیده است. قانون مجازات عمومی نخستین جمهوری فرانسه، شکنجه را با قاتل در یک ردیف می گذاشت.

در اروپای قرن نوزدهم، اندیشه های انقلاب فرانسه، از جمله منع شکنجه، تقریباً در همه کشورها رواج یافت. اما بموازات این روند، استعمارگران اروپایی در لشکرکشی های خود به این گوشه و آن گوشه جهان، دست به هر جنایتی، از جمله قتل عام و شکنجه می زدند.

فاشیسم برای اروپا نیز اردوگاه های مرگ و شکنجه گاه ها را به ارمغان آورد. در حالی که در آغاز قرن بیستم، بسیاری از مردم اروپا گمان می کردند فجایعی اینچینی متعلق به گذشته ای دور است، ددمنشی هایی که فاشیستها مرتکب شدند، فصل سیاه دیگری از تاریخ شکنجه گشود. بسیاری از شکنجه های متداول امروز در رژیم های دیکتاتوری، حاصل "خلافت" شکنجه گران هیتلری است. کابل زدن که امروز بیش از هر نوع دیگر شکنجه رواج دارد، توسط اس اس ها و گشتاپو "تکامل" یافت: استفاده از انواع مختلف کابل در مراحل مختلف شکنجه، تنظیم شدت و تعداد ضربات برای وارد آوردن بقیه در صفحه ۱۵

دخمه های ویژه ای ایجاد کرده بودند. باز پرس، در حالی که شکنجه گر به کار مشغول بود، با خونسردی نوع شکنجه ها و اظهارات متهم را یادداشت می کردند.

از تاریخ ایران باستان، اسناد و شواهد زیادی مانده است که بر رواج کامل شکنجه دلالت می کند. شاهنامه فردوسی بویژه در توصیف دوره سلطنت سلسله ساسانیان حکایت زیادی از شکنجه های مخوف دارد. از آن جمله:

رفتار شاپور دوم با اهراب:

هر آنکس کجایانفتی از هرب

نماندی که پیشش گشادی دولب

زدو دست او دور کردی دو کفت

جهان مانده از کار او در شگفت

هرابی ذوالاکتاف کردش لقب

چو از مجره بگشاد کفت هرب

رفتار همین پادشاه بامانی:

چنین گشت که این مرد صورت پرست

نگذد همی در سرای نشست

که آشوب گیتی سراسر بدوست

بباید کشیدن سر پای پوست

انوشیروان و مزدکیان:

بگشتندشان هم بسان درخت

ز بر پای و سر زیر آکنده سخت

به مزدک چنین گشت کسری که رو

به نزدیک باغ گرانمایه شو

که تخمی که کشتی بدین روزگار

ترادادی ناهیشوار بار

در ختان ببینی که آن کس ندید

نه از کار داناان پیشین شنید

بشد مزدک و باغ بگشاد در

که ببندمگر بر چمن بارور

همانگه که دیدان تنش رفت هوش

برآمد بنگاه از ویک خروش

یکی دار فرمود کسری بلند

فر و هشته از دار پیچان گمند

نگون بخت رازنده بر دار کرد

سر مردی دین نگونسار کرد

بفرمود تا قیر بگذاختند

نگونسار در قیرش انداختند

بزرگان شدند اینم از خواسته

زن وزاده و گنج آراسته

ویل دورانت در کتاب "تاریخ تمدن" خود، می نویسد همین انوشیروان "عادل"، دستور می داد تا از دو قایق واژگون، نیم کره ای بسازند که سوراخی به اندازه قطر گردن یک انسان داشت. مزدکیان را در حالی که تغه سرهایشان از این سوراخ بیرون بود، در این محفظه به بند

۱۰ دسامبر، چهل سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد گذشت. بدیهی است تصویب این اعلامیه، و اعلام ۱۰ دسامبر بعنوان روز جهانی حقوق بشر، روزی که هر سال در آن مراسم ویژه ای برپا می شود، هنوز به معنای پیروزی اندیشه و روح این منشور در جهان نیست. هنوز انسان ها از حقوق یکسان محرومند، هنوز مردم رابه بند می کشند، هنوز شکنجه می کنند، هنوز می کشند. اما امضای اعلامیه حقوق بشر از سوی اکثر کشورهای جهان و تبدیل آن به یک قانون لازم الاجرای بین المللی، قانونی که گذشت زمان بر اهمیت آن باز هم افزوده است، نقطه عطف مهمی در مبارزه صدها ساله بشر برای تحقق آرمان حفظ و صیانت حرمت و شرف انسانی است. با تکیه بر این دستاورد، می توان این مبارزه مقدس رابه پیش برد. جملات ساده اعلامیه حقوق بشر، با صلابتی شکوهمند، وجدان های بیدار را تکان می دهد: ای انسانها به این "بدیهیات" که باید حقوق بشر باشد بنگرید، به جهان خود هم نگاه کنید!

منع شکنجه، از نخستین مواد اعلامیه حقوق بشر است. برای ما مردم ایران، واژه شکنجه طنین آشنا و تلخی دارد. هیچ دوره ای در تاریخ چندین هزار ساله ما نبوده است که در آن شکنجه اعمال نشود.

به شهادت تاریخ، در همه جای جهان شکنجه حداقل در دوره هایی رواج داشته است. در یونان باستان، شکنجه شهر و ندان آزاد ممنوع بود، اما شهادت یک برده تا وقتی شکنجه نشده بود، اعتباری داشت. در روم قدیم نیز همین معیار حاکم بود. علاوه بر این، رژیم های خودکامه این امپراتوری به تدریج طیف هر چه گسترده تری از اعمال شکنجه را نه تنها در مورد بردگان، بلکه همچنین علیه شهروندان آزاد، مجاز کردند. نخستین بازجویی ها به مفهوم متداول امروز، به روم باستان باز می گردد. اما شکنجه مسیحیان توسط رومی ها، از حد اعمال فشار برای کسب اعتراف بسیار فراتر رفت. آنان را شکنجه می کردند تا به نفی اعتقاداتشان وادار کنند.

در تاریخ اروپا، کلیسای کاتولیک و انگیزا سیون مخوف آن در قرون وسطی، فصل مهمی در گسترش و "تکامل" شکنجه محسوب می شود. در آن زمان می گفتند شکنجه، آفریننده "اثبات همه اثباتها" است. برای نهادی کردن و توجیه غیر انسانی ترین رفتار، مفرهای مبتکر انسان راه های زیادی در پیش گرفته اند. کشیش ها در قرون وسطی می گفتند اگر ما ملحدین را شکنجه نکنیم مردم کوچک و بزرگ چنین می کنند، پس بهتر است شکنجه را اما اعمال کنیم تا کنترل شده باشد! "بازجویی" انگیزا سیون، به درجات مختلف تقسیم می شد: تدارکاتی، هادی و فوق العاده. به این منظور،

از محاکمه فضل الله حروفی

شفیعی کدکنی

که تازیانه فرود آمد، و باغ خاکستر خواهد شکفت. و تازیانه فرود آمد، و باز شیکوه نکرد.

و باز شیکوه نکرد. مسافری در راه است که بادبانش از ارغوان و ابر پر است، و جسم ظلمت را،

« - کجایِ اطلس تاریخ را تو می خواهی، به آبِ حرفِ بشویی، و قصرِ قیصر را، و تاجِ خاقان را . . ؟ »

« - کجایِ اطلس تاریخ را تو می خواهی، به آبِ حرفِ بشویی، و قصرِ قیصر را، و تاجِ خاقان را . . ؟ »

مسافرانی در راهند، سپیده دم را بر دوش می کشند آنان، لباسِ صاعقه بر تن دارند آنان، برادرانم، شب را با واژه هایشان، سوراخ می کنند.

و تازیانه فرود آمد، و باز شیکوه نکرد.

« - حروف: مبدأ فعل اند و فعل: آب و درخت و سبزه و لبخند و طفلِ مدرسه و سیب، سیبِ سرخ خدا .

من این عفو نوتِ رنگین را، به آبِ همه همه خواهم شست، که واژه های من از دریا، می آیند، و هم به دریا می پویند. »

« - کجایِ اطلس تاریخ را تو می خواهی، به آبِ حرفِ بشویی، و قصرِ قیصر را، و تاجِ خاقان را . . ؟ »

و تازیانه فرود آمد، و باز شیکوه نکرد.

« - خبر رسیده که باران دویاره خواهد بارید، خدا برهنه خواهد شد،

خبر رسیده که باران درشت خواهد بارید، خدا برهنه خواهد شد.

مگر نمی بینی که قلب من سبز است، و حالتی دارم، که آب و آتش دارند. به جستجویِ نظامِ نو حروفم و وزنی، که روز روزبهان را کنار یکدیگر، مدیح گویم و طاسین عشق را بسرایم، که کفر من کفری است، که هیچ سیمرغی بر اوج آن نیارد پرزد.

ببین که اینها، اینها، چگونه در باران، رُخانِ لاشه مُردارِ شش هزاران سالی را، به خونِ گلها سُرخاب می کنند هنوز.

برای سیرِ چنین باغ و حشِ چنگیزی، مگر به گردنِ زرافه ای در آویزی. »

و تازیانه فرود آمد، و باز شیکوه نکرد.

درونِ جنگلِ سبز، چکاوکی پر زد، و در نسیم آویخت.

نگاه کن! که بغضِ تُندر ترکید، و تر شده مژه خوشه های گندم از شوق، و ارغوانها آنجا نماز می خوانند. »

سخنان تاریخی

بقیه از صفحه آخر

زیادی ارزیابی شد، این امکان را فراهم می کرد که حل مسئله حتی همین امسال به پایان برسد. چنین نشد... نمی خواهم از این تریبون هیچ کس را متهم کنم. اما ما معتقدیم قطعنامه مجمع عمومی در ماه نوامبر می تواند در چارچوب اختیارات سازمان ملل با افزودن برخی اقدامات مشخص، تکمیل شود.^{۱۲}

گزاره پانزدهم پیشنهاد کرد:

از اول ژانویه ۱۹۸۹ آتش بس کامل در افغانستان برقرار شود. در جریان مذاکرات، مناطقی که تحت کنترل گروه های اپوزیسیون

است، در دست آنها بماند. از همین روز تحویل اسلحه به دو طرف متوقف شود.

- در زمان تشکیل دولت بر مبنای وسیعی که در قطعنامه مجمع عمومی پیش بینی شده است، واحدی از نیروهای سازمان ملل برای حفظ صلح به کابل و سایر مراکز استراتژیک کشور اعزام شوند.

دبیرکل سازمان ملل برای تحقق سریع پیشنهاد تشکیل یک کنفرانس بین المللی برای بیطرفی و غیر نظامی کردن افغانستان بکوشد.

رهبر شوروی افزود:

"ما کماکان فعالانه به التیام زخم های جنگ کمک خواهیم کرد و آماده ایم بدین منظور هم با

سازمان ملل و هم بطور دو جانبه همکاری کنیم. ما از پیشنهاد ایجاد یک سپاه داوطلب و بین المللی صلح تحت نظارت سازمان ملل برای کمک به بازسازی افغانستان پشتیبانی می کنیم.^{۱۳}

اعلام کاهش نیم میلیون نفری نیروهای مسلح شوروی نابودی ۱۰ هزار تانک، ۸۵۰۰ توپ و ۸۰۰ هواپیما، همراه با فراخواندن ۵۰ هزار نظامی و پنج هزار تانک از اروپای شرقی، در سراسر جهان با استقبال روبرو شد. حتی ریگان رئیس جمهور آمریکا نیز که در گذشته همواره ابتکارات صلح شوروی را بعنوان "ژست تبلیغاتی" محکوم می کرد این بار ناچار شد ابتکار شوروی را یک اقدام شرافتمندانه بنامد. اکثر

دولتهای غربی، در موقعیت تدافعی تبلیغاتی قرار گرفتند. این دولتها تا کنون می گفتند تا اتحاد شوروی "برتری" خود را در زمینه سلاحهای غیر هسته ای در اروپا از میان نبرد، باید به تهدید هسته ای این کشور ادامه داد. اکنون زبان سیاستمداران غربی از ابتکار شوروی بند آمده است. مردم کشورهای سرمایه داری اینک می پرسند دیگر چه توجیهی برای افزایش بازهم بیشتر تسلیحات و اختصاص فزاینده بودجه های کلان به امور نظامی باقی مانده است؟ سخنان گارباچف که در همه جا بعنوان سخنانی تاریخی ارزیابی شده، فصل نوینی در مبارزه برای صلح و خلع سلاح گشوده است. □

شکنجه

بقیه از صفحه ۸

بیشترین فشار به فرد... یک نوع دهشتناک شکنجه که فاشیستهای آلمانی اختراع کردند، این بود که زندانی را در یک بشکه پر از آب می انداختند، به گونه ای که تنها سر او از آب بیرون بود. سپس با چوب یا میله آهنی ضربات سختی به بدنه بشکه وارد می آوردند. شدت ضربات بعدی بود که موج متراکم ایجاد شده در آب، رفته رفته به خونریزی داخلی زندانی و مرگ او می انجامید.

پس از جنگ جهانی دوم، توازن قوای ایجاد شده و درسهای این فاجعه، به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر انجامید. اما هیچگاه تضاد میان اهداف و مقاصد اعلام شده در سطح بین المللی از یکسو و عملکرد دولتها از سوی دیگر، به اندازه این دوره که هنوز در آن بسر می بریم، نبوده است. در بسیاری از کشورها، طبقات استثمارگر حاکم، همان راهی را می روند که حکومتهای طبقاتی سلف خود، در طول قرن هارفته اند. اگر چه شرایط جهانی، این حکومتها را اکنون اکثرا وادار به پذیرش لفظی معیارهای تصریح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر کرده است، اما حفظ و تحکیم سیطره خود، برای این حکام از همه چیز مهمتر است. امپریالیسم، که در کشورهای متروپل نمی تواند از پذیرش اصولی مانند، منع شکنجه، احترام به آزادی عقاید، منع خودسری و غیره سر باز زند، کارنامه سیاهی در لگدمال کردن همین اصول در مقابله با جنبش های رهایی بخش دارد. جنایات آمریکا در ویتنام، شکنجه های هولناک مبارزان الجزایری توسط فرانسوی ها، حمایت غرب از شکنجه گران در آمریکای لاتین، آفریقای جنوبی و فلسطین اشغالی، همه و همه لکه تنگی بر دامن دموکراسی های غربی است.

در جهان امروز هیچ حکومتی مانند حکومت آخوندها در ایران، به این صراحت به اعمال شکنجه اعتراف نمی کند. هر چند که جمهوری

اسلامی هم مدعی است که اعلامیه حقوق بشر را می پذیرد، برای اثبات خلاف این ادعا، کافی است متن قوانین مصوب خود این حکومت مورد استناد قرار گیرند. در قانون حدود و قصاص آمده است: " (ماده ۱۱۹ در باره سنگسار) بزرگی سنگ در جرم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو تایی آن شخص کشته شود و نیز کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند. " (ماده ۲۰۷ در باره مصلوب کردن) مصلوب کردن مفسدو محارب با شرایط زیر انجام می گیرد:

الف نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می توان او را پس از مرگ پایین آورد. " (ماده ۱۳۲): مرد را در حالیکه ایستاده

باشد و پوشاکی غیر از سارتر هورت نداشته باشد و زن را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می زنند. " (ماده ۱۳۲): مرد را در حالیکه ایستاده

وجود انکار ناپذیر و صراحت قانون قصاص، باعث می شود که بتوان برای اثبات پایمال شدن حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی، علاوه بر استناد به عملکرد روزمره آن، بر اسناد قانونی خود آن نیز انگشت گذاشت. این واقعیت، مقامات جمهوری اسلامی را تا آنجا که مجبورند در مقابل افکار عمومی بین المللی از حکومت خود دفاع کنند، با مشکل بزرگی مواجه می کند. آنها چون نمی توانند بگویند ما اصلا حقوقی برای بشر قائل نیستیم، مدعی اند که بیانیه حقوق بشر را قبول دارند. آخرین نمونه، سخنان رفسنجانی در نماز جمعه ۲۰ آذر تهران است، اما برای توجیه این تناقض آشکار، به استدلالهای مضحکی متوسل می شوند:

"... ما فکر می کنیم که اگر اهدامها و مجازات های بدنی بر اساس قوانین اسلامی اجرا شوند، شکنجه به حساب نمی آیند... ما هر نوع شکنجه، از جمله مجازات های بدنی و اعدام را تا زمانی که بر اساس رهنمودهای اسلامی صورت نگرفته اند، محکوم می کنیم. " (رجایی

خراسانی نماینده پیشین جمهوری اسلامی در سازمان ملل به نقل از کیهان ۲۲ آذر ۱۳۶۲) ۹ سال پیش، وقتی فقها قانون اساسی خود را تصویب کردند، راه را برای خود باز گذاشتند. در این قانون، مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر مانند تساوی زن و مرد، مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص، آزادی عقیده، منع سانسور، آزادی جمعیت ها و غیره، گنجانده شده اند، اما بدنبال همه آنها قیدی آمده است: "با رعایت موازین اسلام"، "مگر در مواردی که قانون تجویز کند"، "مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد"، "مگر به حکم قانون" و غیره. در مورد شکنجه هم در اصل ۳۸ آمده است:

"هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است."

طبق این تعریف، شکنجه به منظوری دیگر، مثلا مجازات، مجاز است. تعزیر طبق این قانون، شکنجه مجاز شمرده می شود. و کیست که بتواند ثابت کند اگر منعمی را شلاق زدند، "برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع" بوده است؟! مگر حاکم شرع نمی تواند متهم را ظرف چند ثانیه به جرم "همکاری نکردن" به تعزیر محکوم کند؟!

فقها حقوق بشر را گام به گام لگدمال کردند. به گفته یک متفکر اروپایی، آزادی "سانتیمتر به سانتیمتر" می میرد. امروز که فاجعه عظیم کشتار بخش بزرگی از زندانیان سیاسی ایران تکوین یافته است، شاید بحث در باره "نقض حقوق بشر" و شکنجه در جمهوری اسلامی، بسیار دیر هنگام بنماید. اما فراموش نکنیم: "از خرد است که کلان برمی خیزد." کمر ما از دره خرد خم کردند. حق کشتی، با کشتار عظیمی نظیر آنچه امروز شاهد ایم، آغاز نشد. امروز از این رو اینچنین گستاخند. که دیروز، کیفر حق کشی های کوچکتر را دیدند.

خشم و اندوهمان از فاجعه امروز را به نیروی پیکار با این جنایتکاران ضد بشر تبدیل کنیم. این راهم آویزه گوش کنیم: دوباره هرگز! حقوق بشر را از آغاز، از همان آغاز پایمال شدنش در یابیم.

فاجعه زلزله در ارمنستان



مردم بی‌خانمان شده در "لنین آکان" منتظرند تا به مکان امنی انتقال یابند

برای اسکان بخشی از این عده، ۵۰ هزار تخت در مناطق توریستی در اختیار مردم بی‌خانمان قرار می‌دهد.

آذربایجان رانیز در برگرفت بگزارش خبرگزاری تاس، بر اثر زلزله، ۴۰۰ هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند. اتحادیه سندیکاهای شوروی اعلام کرد

ظهر روز چهارشنبه ۷ دسامبر، زلزله سهمگینی بقدرت بیش از ۸ درجه ریشتر، مناطق وسیعی از ارمنستان شوروی، ایران و ترکیه را لرزاند. بر اثر این زلزله، هزاران ساختمان در دهما شهر و روستا ویران شدند. مقامات شوروی، شمار کشته شدگان را از ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین می‌زنند. "لنین آکان"، دومین شهر بزرگ ارمنستان، که تقریباً در صد کیلومتری شمال ایروان واقع شده است، به سختی آسیب دید. شهر "اسپیتاک" در شمال ارمنستان تقریباً به کلی ویران شد. مدارس بسیاری ویران شدند و دانش‌آموزان در زیر آوار جان سپردند. در آذربایجان و گرجستان نیز زلزله خساراتی به بار آورد.

میخائیل گارباجف با دریافت خبر زلزله، سفر خود به آمریکا، کوبا و بریتانیا را زودتر از موعد قطع کرد و از نیویورک مستقیماً به کشورش بازگشت تا با حضور در ایروان، اقدامات کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان زلزله راه‌انداز کند. زلزله در ارمنستان، موج همبستگی و کمک‌رسانی در سراسر اتحاد شوروی برانگیخت. این موج

بی‌نظیر بوتو: زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد

بطور هم‌زمان گسترش خواهد یافت و در روابط با هند، تشنج‌زدایی به عمل خواهد آمد. بوتو مهمترین هدف دولتش را آشتی دوباره میان ملت، که در دوره حکومت ضیاالحق دچار تفرقه شده‌است، و نیز پیشبرد سیاست صلح در هر سه منطقه اعلام کرد. وی افزود سندیکاها و اتحادیه‌های دانشجویی که توسط ضیاالحق ممنوع شدند، دوباره آزاد شده، آزادی مطبوعات احیا خواهد شد. بی‌نظیر بوتو تاکنون در مورد مسئله افغانستان و احتمال تغییر سیاست اسلام‌آباد در قبال آن و یا ادامه جنگ اعلان نشده، اظهار نظری نکرده‌است.

از میان سایر رویدادها

امیرام نیر، مامور ویژه دولت اسرائیل در راه‌اندازی تحویل سلاح‌های آمریکایی به جمهوری اسلامی، در یک سانحه مشکوک هوایی در مکزیک کشته شد. وی و خلبان مکزیک‌ای هواپیمای کوچکی که به سمت مکزیکوسیتی در پرواز بود، بر اثر سقوط هواپیما به قتل رسیدند. مطبوعات قرب، کشته شدن نیر را بی‌ارتباط با ماجرای "ایران گیت" نمی‌دانند.
* به گزارش مطبوعات عربستان سعودی، نخستین دور مذاکرات مستقیم میان نمایندگان شوروی و اپوزیسیون افغانستان به پیشرفت‌های معینی انجامید. هیاتهای دوطرفه به ریاست یولی ووژنتسوف معاون وزیر خارجه و سفیر شوروی در کابل از یک سو و برهان‌الدین ربانی رهبر "جمعیت اسلامی افغانستان" از سوی دیگر، در شهر طائف عربستان دیدار کردند. دولت افغانستان از این دیدار به عنوان گامی در جهت صلح استقبال کرد.

بی‌نظیر بوتو نخست‌وزیر جدید پاکستان دولت خود را تشکیل داد. وی در دولت جدید، خود عهده‌دار مسئولیت وزارتخانه‌های دفاع و دارایی شد. وزارت خارجه، بر عهده صاحب‌زاده یعقوب‌خان قرار گرفت که در دوره حکومت ضیاالحق، تا نوامبر ۱۹۸۷ وزیر خارجه بود. مابقی وزرای کابینه بوتو، اعضای حزب خود او، یعنی "حزب مردم" اند.
نخستین اقدام دولت جدید پاکستان، اعلام عفو عمومی کلیه زندانیان سیاسی بود.
بوتو در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد روابط پاکستان با ایالات متحده و اتحاد شوروی

لشکر کشی اسرائیل به لبنان

در شامگاه پنجشنبه ۸ دسامبر، نیروهای زمینی، دریایی و هوایی اسرائیل به منطقه‌ای در شمال شرقی شهر دماور در جنوب لبنان حمله وسیعی انجام دادند. بانه صهیونیستها برای این لشکر کشی گسترده، حمله به مواضع "جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل" به رهبری احمد جبرئیل اعلام شد. عملیات ارتش اسرائیل تا ظهر روز جمعه به طول انجامید و در جریان آن شمار زیادی از مردم کشته شدند. صهیونیست‌ها به کشته شدن یک افسر اسرائیلی اعتراف کردند. منطقه مورد حمله، از جمله منا طقی است که در کنترل ارتش سوریه قرار دارد. ولی نیروهای سوریه دخالتی در این نبرد نکردند. رسانه‌های سوریه در روز جمعه حمله اسرائیل را به سکوت برگزار کردند. گروه احمد جبرئیل، از جمله گروه‌های مورد حمایت سوریه است که اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین را تحریم کردند.

شورش در آرژانتین

گروهی از نظامیان آرژانتینی باردیگر علیه محاکمه مسببین نقض حقوق بشر در دوره حکومت ژنرالها در این کشور، دست به شورش زدند. شورشیان به سرکردگی سرهنگ محمدعلی زین‌الدین، خواهان برکناری دولت فرماندهی نیروی زمینی و عفو عمومی برای همه نظامیانی بودند که به علت نقض خشن حقوق بشر در دوره دیکتاتوری‌های نظامی به زندان محکوم شده‌اند. این، سومین شورش از اینگونه ظرف ۲۰ ماه گذشته بود.

بلافاصله پس از آغاز شورش، مردم آرژانتین با شرکت در تظاهرات گسترده‌ای خواهان حفظ دموکراسی و عفو عقب‌نشینی در برابر نظامیان شدند. هم‌زمان با اجلاس فوق‌العاده پارلمان آرژانتین، ۱۵۰ هزار نفر در برابر ساختمان پارلمان اجتماع کردند. اتحادیه سندیکایی آرژانتین تصمیم به برگزاری یک اعتصاب عمومی در اعتراض به شورش گرفت. ایستگاه تلویزیونی، برنامه ویژه مشترکی ترتیب دادند خبرگزاریها، شمار شورشیان را در حدود هزار نفر ذکر کردند که در سه هنگ و یک تیپ متشکل بودند. در روز یکشنبه چهارم دسامبر، نظامیان شورشی خود را به نیروهای دولتی تسلیم کردند. سرهنگ زین‌الدین رهبر شورش دستگیر شد. هم‌زمان با پایان شورش، پلیس در حمله به تظاهرات مردم علیه کودتاچیان، دو نفر را به قتل رساند.

اطلاعات رهبر شورش مبنی بر اینکه وی تنها برای جلوگیری از خونریزی تسلیم شده و از مواضع سیاسی خود عقب‌نشسته است، به این گمان دامن زد که آلفونسین رئیس‌جمهور آرژانتین امتیازات و قول‌هایی به شورشیان داده است.

جمهوری اسلامی در بن بست تصمیم گیری و قانون گذاری

نیز ایجاد نماید و بالجمله وجود مراکز متعدد و موازی قانون گذاری در کشور بنوبه خود مساله ای مشکل آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی کشور می باشد. (کیهان ۷-آذر)

به اعتراف امضاکنندگان نامه، بن بست قانون گذاری و تصمیم گیری در جمهوری اسلامی تا بدان حد بالا گرفته که موجب تزلزل نظام سیاسی شده است. بن بست حقوقی به مثابه شکل تعادل فلج کننده گروه بندیهای قدرت در رژیم ملایان، پدیده تازه ای نیست، یک سال پیش، این بن بست به تصمیم مهم خمینی در تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت" و محدود کردن شورای نگهبان انجامید، آنچه تا زگی دارد، تشدید مجدد بحران در شرایط فعالیت مجمع مزبور است. کسانی که در این مجمع دست بالا دارند، ظاهراً برای تسریع در تصمیم گیریهایی که خود آن را برای پیشبرد سیاستهای معینی لازم می دانند، مجلس، دولت و شورای نگهبان را دور می زنند و قانون وضع می کنند.

با گذشت نزدیک به چهار ماه از آتش بس، رژیم خمینی هنوز نتوانسته است از شدت بحران سیاسی و اقتصادی که همواره یکی از علل آن را جنگ قلمداد کرده است، ذره ای بکاهد. اوضاع اقتصادی کماکان وخیم است. قیمتها همچنان روبه افزایش است. هیچ گام قابل ذکری برای ایجاد اشتغال برداشته نشده است. "بازسازی" خود موضوع اختلافات تازه است. با حذف جنگ، تنها یک چیز جناح های عمده جمهوری اسلامی را به هم پیوند می دهد: ددمنشی و جنایت هر چه بیشتر در سرکوب اپوزیسیون.

خمینی در نامه ای که روز دوشنبه ۷ آذر در مطبوعات رژیم درج شد، در پاسخ به تقاضای ۹۷ نماینده مجلس نوشت که قصد دارد کاری کند که "در تمام زمینه ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم". در نامه خمینی آمده است: "آنچه در این سال ها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می کرد تا گره های کور قانونی سریعا به نفع مردم و اسلام بازگردد."

در نامه نمایندگان مجلس، پس از اشاره به اینکه "مدتی است برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص کیفیت کار شورای محترم تشخیص مصلحت انجام هایی وجود دارد" آمده است: "در ابتدای تشکیل هیات مذکور مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهار نظر منفی شورای نگهبان برای اصلاح به مجلس برگردد و مجلس پس از نظر مجدد آن رابه شورای نگهبان برگرداند. آنگاه چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اصلاح نهایی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد ولی هم اکنون بعضاً این شورا قانون گذاری نیز می نماید و مهمتر این که تقدیم لوایح قانونی به این شورا خالی از جمیع مقدمات و مقرراتی است که یک لایحه قانونی از طریق متعارف دارد... با این روند هر کس حتی مقامات غیر مسئول، می تواند با تقدیم پیشنهادهای به شورای تشخیص مصلحت برای کشور قانون جدیدی ایجاد کند و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نماید و این می تواند علاوه بر بی خاصیت شدن مجلس تناقض های فراوان در قوانین کشور

سخنان تاریخی گارباچف در سازمان ملل

* اتحاد شوروی به طور یکجانبه ۵۰۰ هزار نفر

از ارتش خود می کاهد

حمایت از مکانیزم های بازار برای تنظیم بدهی جهان سوم از طریق دولتها، از جمله ایجاد یک سازمان ویژه بین المللی که قروض را بخرد و در آن تخفیف دهد.

اتحاد شوروی خواهان بررسی دقیق راه های حل بحران بدهی ها در مجامع بین المللی، از جمله مشاوره های انجام شده تحت نظارت سازمان ملل میان روسای دولتهای کشورهای بدهکار و طلبکار است.

حفظ محیط زیست

رهبر شوروی پیرامون ضرورت همکاری بین المللی در دفع خطراتی که محیط زیست بشر را تهدید می کند، اظهار داشت:

"امنیت اقتصادی بین المللی، بدون خلع سلاح و بدون آگاهی روشن از تهدید جهانی محیط زیست، غیر قابل تصور است، وضعیت محیط زیست در برخی مناطق، در یک کلام وحشتناک است. برای سال ۱۹۹۲ در چارچوب سازمان ملل متحد، کنفرانسی در باره مسائل محیط زیست برنامه ریزی شده است. ما از این تصمیم استقبال می کنیم. اما زمان نایب استاده است. در کشورهای مختلف، کارهای زیادی می شود. در اینجا مایلیم بسیار بر امکاناتی تاکید کنم که در روند خلع سلاح، و البته در وهله اول خلع سلاح هسته ای فرا راه نوزایی اکولوژیک گشوده می شوند.

همچنین بگذارید به این بیاندیشیم که آیا نباید در سازمان ملل، مرکزی برای امداد فوری برای حفظ محیط زیست ایجاد کرد؟ وظایف این مرکز، عبارت از این خواهد بود که برای اجهز گروه های کارشناسان به مناظرتی که در آن وضعیت محیط زیست به گونه ای فاحش و خیم می شود، اقدام کند."

راه حل برای افغانستان

دیرکل حزب کمونیست و صدر هیات رئیسه شورای عالی شوروی پیشنهادهای جدیدی نیز در مورد افغانستان ارائه کرد: "توافق های ژنو، که در سراسر جهان دارای اهمیت اصولی و عملی بقیه در صحنه ۱۰

میخائیل گورباچف رهبر شوروی در روز چهارشنبه ۷ دسامبر در یک سخنرانی تاریخی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلام کرد کشورش طی دو سال آینده، ۵۰۰ هزار نفر از ارتش خود خواهد کاست و بطور یکجانبه، شش لشکر تانک را از آلمان دموکراتیک، چکسلواکی و مجارستان فرا خواهد خواند. شمار نظامیان شوروی که از این سه کشور خارج خواهند شد، به ۵۰ هزار نفر بالغ می شود.

بخشهای دیگر سخنرانی گارباچف، به سایر مسائل جهانی اختصاص داشت. وی در مورد بدهی های جهان سوم گفت: "حادترین مسئله، بدهی خارجی است. فراموش نکنیم که کشورهای رشدیابنده در دوره استعمار به بدهی قربانی ها و محرومیت های بی شمار، امکان شکوفایی بخش قابل توجهی از جامعه بین المللی را فراهم کردند. زمان آن رسیده است که این محرومیت ها

..... جبران شود. به عقیده ما، راه برون رفت، از جمله در بین المللی کردن برخورد به این مسئله است. اگر بطور واقع بینانه به مسائل بنگریم باید بپذیریم که بدهی های انباشته شده، نه قابل پرداختند و نه می توان بازپرداخت آنها را طبق شرایط اولیه طلبید.

اتحاد شوروی آماده است در مورد عقب مانده ترین کشورها یک موراتوریم (توقف) دراز مدت حداکثر تا صدسال - را تا هنگام بازپرداخت بدهیها اعمال کند، و در مواردی بکلی از طلبهای خود چشم پوشد. تا آنجا که به سایر کشورهای رشد یابنده مربوط می شود، پیشنهاد کنیم این موارد بررسی شوند:

- محدود کردن بازپرداخت قروض رسمی آنها، بستگی به شاخصهای رشد اقتصادشان و یا تعیین یک تسطیندی دراز مدت برای بخش بزرگی از بازپرداخت ها.

حمایت از فراخوان کنفرانس سازمان ملل برای بازرگانی و رشد، در باره کاهش بدهی ها به بانکهای تجاری.

AKSARIYAT
NO.237

MONDAY, 12 DEC '88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق راه را انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید